

روش‌شناسی مطالعات تطبیقی در تفسیر قرآن*

محمدعلی رضایی اصفهانی

(دانشیار، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه)

چکیده: در مطالعات قرآنی از شیوه‌های متنوعی استفاده می‌شود و به ویژه در یک قرن اخیر با شیوه‌های جدیدی صورت می‌گیرد. در این نوشتار به شیوه مطالعات تطبیقی می‌پردازیم که گونه‌های تفسیر تطبیقی بین قرآن و کتب مقدس و تفسیر مقارن بین شیعه و مذاهب اهل سنت و مطالعات تطبیقی در حوزه علوم طبیعی یا انسانی و حوزه تفسیر قرآن دارد. در این جستار فرآیند، مبانی و آسیب‌های این روش‌ها بررسی و برای هر کدام مثال‌هایی بیان می‌شود.

کلید واژه‌ها: قرآن، روش تحقیق، مطالعات قرآنی، تطبیقی، میان رشته‌ای.

مقدمه

روش تحقیق در مطالعات قرآنی گاهی درون متنی مثل تفسیر قرآن به قرآن و گاهی برون متنی و گاهی تطبیقی و میان رشته‌ای است. اگرچه ریشه‌های این روش‌ها را از دیرباز می‌توان در کتب تفسیری سراغ گرفت، اما در قرن اخیر مطرح به صورت نظام‌مند شده است. روش تحقیق تطبیقی و میان رشته‌ای موجد رشد و بالندگی در حوزه

* تاریخ دریافت: ۸۸/۲/۱ تاریخ تصویب: ۸۸/۷/۱۱

پژوهش‌های قرآنی و گاهی به تولید علم منتهی می‌شود و گاهی به چالش‌های این مباحث پرداخته می‌شود. از این رو، بررسی فرآیند، مبانی و آسیب‌های مطالعات تطبیقی و میان رشته‌ای اهمیت ویژه‌ای دارد.

روش تحقیق تطبیقی و غیر تطبیقی در مطالعات قرآنی

مطالعات و تحقیقات قرآنی گاهی براساس بررسی مسئله از یک نگاه و یک متن یا از چند نگاه و چند متن انجام می‌گیرد، بنابراین روش‌های مطالعه و تحقیق قرآنی به دو دسته تطبیقی و غیر تطبیقی تقسیم می‌شوند. البته مطالعات تطبیقی منافاتی با استفاده از روش‌های تحقیق درون قرآنی، برون قرآنی و میان رشته‌ای ندارد. بلکه گاهی جمع برخی از این روش‌ها در بررسی یک مسئله لازم است.

الف) روش تحقیق غیر تطبیقی

بسیاری از مطالعات و تحقیقات در تفسیر و علوم قرآن غیر تطبیقی بوده و هست، یعنی محقق به دنبال بررسی مسئله تحقیق در متن قرآن بدون نگاه به متون مقدس دیگر است، یا در پی مطالعه و تحقیق تفسیر آیه در متون تفسیری مذهب و مکتب خاص است بی‌آنکه به تفاسیر مذاهب دیگر نظر کند. برای مثال تفسیر تبیان شیخ طوسی به دنبال دیدگاه‌های شیعه در تفسیر است، همان‌طور که تفسیر ابن کثیر در پی دیدگاه‌های تفسیر اهل سنت و کمتر به جمع‌آوری و تطبیق مطالب بر دیدگاه‌های مخالفان خود می‌پردازند.

و نیز گاهی محقق در باب قرآن مطالعه و تحقیق می‌کند بی‌آنکه مطالعات تطبیقی میان رشته‌ای را منظور کند. روش تحقیق غیر تطبیقی عمدتاً به صورت درون متنی است، اما گاهی هم از روش‌های تحقیق برون متنی (مثل تحلیل عقلی و تاریخی) بهره می‌گیرد.

ب) روش تحقیق تطبیقی^۱

روش تحقیق و مطالعه تطبیقی را «شناخت یک پدیدار یا دیدگاه در پرتو مقایسه (فهم و تبیین مواضع خلاف و وفاق)»، تعریف کرده‌اند.

پس مفاهیم اصلی و سازنده مطالعه تطبیقی عبارت است از:

- شناخت یک پدیدار یا دیدگاه که هدف مطالعه تطبیقی است.
- بررسی مقایسه‌ای، که شیوه‌ای برای نیل به شناخت چند وجهی است.
- فهم و تبیین مواضع خلاف و وفاق واقعی بین امور مورد مقایسه، که این مطلب در حقیقت روش نیل به رکن اول است (قراملکی ۱۳۸۰: ۲۵۴ و ۲۵۵).

امتیاز اساسی روش تحقیق تطبیقی آن است که محقق از حصرگرایی، فراتر می‌رود و امکان وقوف بر ابعاد ناپیدای موضوع مورد تحقیق را فراهم می‌سازد، و چشم را بر خلل‌ها و مسائل، بینا تر می‌کند. اما رویکرد مستقیم (= غیر تطبیقی) در شناخت یک امر، فرد را از دیدن ابعاد مختلف آن، محروم می‌سازد و او را سطحی‌نگر می‌کند.

دامنه تطبیق

در مطالعات تطبیقی لازم است دامنه تطبیق روشن شود، که عوامل مختلفی در تحدید آن نقش دارند از جمله: توانایی فردی، امکانات پژوهشی، قابلیت تطبیق و... گاهی تفسیر دو کشور و زمانی دیدگاه دو مفسر یا دو مذهب تفسیری و گاهی دو متن و کتاب با هم مقایسه می‌شوند.

فرآیند مطالعه تطبیقی عبارت است از:

۱. تعریف مسئله
 ۲. تحدید دامنه تطبیق
 ۳. استقصای حداکثری وجوه و موارد تمایز و تشابه (حتی ظاهری)
 ۴. عبور از موارد تشابه و تفاوت ظاهری به مواضع خلاف و وفاق واقعی
 ۵. تبیین مواضع خلاف و وفاق
- مهم‌ترین و سخت‌ترین مرحله مطالعه تطبیقی عبور از مشابهت‌ها و تفاوت‌های ظاهری، به خلاف و وفاق واقعی است؛ عبور از موارد جزئی به مواضع عام و کلی. برای مثال گاهی یک لفظ در دو علم یکسان است، اما معانی متفاوت دارد مثل لفظ «قیاس» در منطق به معنای استدلال همراه با صغری و کبری، و در علم فقه به معنای تمثیل و نیز لفظ محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ در نزد مذاهب و مکاتب تفسیری که معانی مختلفی از آن اراده شده است. و یا حتی لفظ «تاویل» که در نزد قدمای مفسران (مثل تفسیر طبری) به معنای تفسیر آمده ولی در نظر مفسران معاصر به معنای مقابل تفسیر (معنای مرجوح همراه با قرینه) به کار رفته است.

برای عبور از تشابه و تفاوت‌های ظاهری و رسیدن به مواضع خلاف و وفاق، روش‌هایی بیان شده است از جمله:

- طرح سؤال اساسی و رخنه‌های معرفتی.
- شناخت پیشینه و بستر معرفتی شکل‌گیری مسئله تحقیق
- تأمل در مبانی معرفتی (مبادی تصویری و تصدیقی هر گزاره)
- بررسی دلایل رویکردها و روش‌های موضوع مورد بررسی
- بررسی لوازم و آثار و نتایج موضوع مورد بررسی
- بررسی رقبا، امثال و اغیار (شناخت موضوع به وسیله اضداد آن)
- پارادایم و نظام فکری (نگرش سیستمی و کل‌گرایی و بررسی هویت جمعی به جای فرد گرایی) (قراملکی ۱۳۸۰: ۲۷۲-۲۵۸ با تلخیص).

البته رابطه مطالعات تطبیقی با مطالعات میان رشته‌ای، عام و خاص من وجه است، یعنی ممکن است از مطالعات تطبیقی در روش‌های تحقیق میان رشته‌ای استفاده شود، و می‌تواند مصداق هر دو واحد باشد، مثل تطبیق دیدگاه‌های قرآن و کیهان‌شناسی در مورد آغاز و پایان جهان.

اما در برخی موارد مطالعات میان رشته‌ای تطبیقی نخواهد بود، مثل تحقیقات میان رشته‌ای که برای جهت‌دهی به مبانی علوم و تولید علم جدید صورت می‌گیرد. و نیز برخی مطالعات تطبیقی میان رشته‌ای نیست مثل تحقیق در مورد تفسیر آیات ولایت در تفاسیر شیعه و اهل سنت.

پیشینه، حوزه‌ها و کاربردهای تحقیقات تطبیقی در مطالعات قرآنی

ریشه مطالعات تطبیقی را می‌توان در مقایسه‌ها در آیات قرآنی یافت. در قرآن به روش مطالعه مقایسه‌ای در موارد متعددی اشاره شده است، از جمله:

﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (زمر: ۹)

﴿هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ﴾ (انعام: ۵۰)

﴿هَلْ يَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ﴾ (رعد: ۱۶)

از این شیوه در برخی تفاسیر ترتیبی و موضوعی نیز استفاده شده است که همراه کاربردها به آنها اشاره می‌کنیم:

مطالعات تطبیقی بین قرآن و کتب مقدس

برخی از مفسران از دیرباز به مطالعات تطبیقی قرآن و تورات و انجیل و... توجه کرده‌اند. چون برخی قصص قرآن به ویژه داستان‌های پیامبران الهی همچون آدم، موسی، عیسی (ع) و... در قرآن و عهدین آمده است. بررسی این موارد می‌تواند نزهت و برتری قرآن را روشن سازد، همان‌طور که مشخص می‌کند همه این کتاب‌ها یک منبع اصلی داشته که وحی الهی بوده لیکن برخی مطالب تورات و انجیل تحریف شده است. علامه بلاغی (۱۳۵۲-۱۲۸۲ق) صاحب تفسیر *آلاء الرحمن* و کتاب‌های *الرحلة المدرسیة* و *الهدی الی دین المصطفی* است. و نیز در تفسیر *المیزان* ذیل داستان آدم و حواء و تفاسیر دیگر از روش تطبیقی فوق استفاده شده است. و نیز برخی پایان نامه‌ها در مورد قرآن و آپانیثادها (کتاب مقدس هندوها) و موضوعات خاص بین قرآن و عهدین به انجام رسیده است.

ولی هنوز جای بررسی تطبیقی کامل بین قرآن و کتب مقدس دیگر خالی است.

مطالعات تطبیقی بین شیعه و مذاهب اهل سنت

این شیوه از دیرباز مورد توجه مفسرانی همچون فخر رازی (م ۶۰۶ق) در تفسیر کبیر (*مفاتیح الغیب*) بوده است که دیدگاه‌های تفسیری و کلامی شیعه و اهل سنت را در تفسیر خود نقد و بررسی کرده است. همان‌طور که آلوسی در *روح المعانی* در مواردی به تفسیر تطبیقی همت گماشته است. در تفاسیر شیعه نیز از دیرباز ذیل آیات ولایت و آیات جبر و تفویض به دیدگاه‌های اهل سنت (معتزله و اشاعره) توجه شده است، همان‌گونه که گاهی در تفسیر مجمع البیان طبرسی و تبیان شیخ طوسی و *روض الجنان* ابوالفتوح رازی می‌بینیم و در عصر ما نیز تفسیر *المیزان* به این شیوه توجه کرده است. در علوم قرآن نیز از مباحث نسخ، محکم و متشابه و جمع ق را از... و دیدگاه فریقین مورد بررسی قرار گرفته و *البیان لتمهید فی علوم القرآن* علامه معرفت رحمه‌الله از نمونه‌های بارز این شیوه تطبیقی است.

و در دهه اخیر این روش تحقیق و مطالعه تفاسیر قرآن مورد توجه ویژه قرار گرفته است. و نخستین کتاب را با نام *تفسیر تطبیقی* دکتر فتح‌الله نجارزادگان در مرکز جهانی علوم اسلامی به رشته تحریر درآورد. در عصر ما تفسیر *ارزشمند التفسیر الاثری الجامع*

مرحوم علامه معرفت، از نمونه‌های بارز تفسیر تطبیقی روایی است که برخی مجلدات آن منتشر شده است. روش مطالعه تطبیقی گاهی تحت عنوان «مقارن» نیز نامیده می‌شود. البته این نام در «فقه مقارن» بیشتر کاربرد دارد.

محقق در این روش به تحقیق و مطالعه در مورد دیدگاه‌ها و دلایل مشترک و متفاوت مفسران و صاحب‌نظران شیعه و سنی در مورد تفسیر آیات و مباحث علوم قرآن می‌پردازند، و با نقد و بررسی، به ارزیابی آراء و دلایل آنها می‌پردازند.

بیشترین کاربرد این شیوه تحقیقی در آیات مورد اختلاف شیعه و سنی مثل آیات ولایت (مانده: ۳ و ۶۷. احزاب: ۳۳ و...) و آیات احکام (مثل آیه وضو، مانده: ۶) و آیات جبر و تفویض و اخیراً آیات توحید و شرک است. و نیز آیه محکم و متشابه (آل عمران: ۷) و آیات مشهور به ناسخ و منسوخ و مبعث جمع قرآن و... در علوم قرآن از نمونه‌های دیگر این تحقیق تطبیقی است.

مطالعات تطبیقی بین قرآن و علوم

یکی از حوزه‌های تحقیقات تطبیقی، مطالعات بین تفسیر قرآن و علوم تجربی است که از دیرباز مورد توجه مفسران قرآن بوده است. نخستین نمونه‌های تفسیر تطبیقی علمی را می‌توان در آثار بوعلی سینا یافت.

شیخ الرئیس ابن سینا (۴۲۸-۳۷۰ق)، فیلسوف و پزشک مشهور ایرانی؛ واژه «عرش» در آیه ﴿وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةَ﴾ (حاقه: ۱۷) را به فلک الافلاک (فلک نهم هیئت بطلیمیوسی) تفسیر کرده است و «ملائکه» هشت‌گانه را به افلاک هشت‌گانه (قمر، خورشید، زهره؛ عطارد، زحل، مشتری، مریخ و فلک ثوابت) تفسیر نموده است (ابن سینا ۱۹۰۸: ۲۴؛ ذهبی ۱۹۷۶: ج ۲، ۴۲۶).

فخر رازی (م ۶۰۶ ق) در تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، برخی مطالب علمی را با آیات قرآن تطبیق کرده است. او با آیه ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا﴾ (بقره: ۲۲) استدلال می‌کند که زمین، ساکن است (رازی، ۱۴۱۱: ج ۲، ۹۴). وی در ذیل آیه ۱۶۴ بقره، فلکیات قدیم و آرای بطلمیوس و قدمای هند و چین و بابل و مصر و روم و شام را بررسی کرده است.

علامه محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ق)، صاحب بحارالانوار، در برخی از مجلدات این کتاب، مطالبی پیرامون آسمان‌ها آورده و در موارد متعددی تفسیر علمی کرده است؛ از جمله در مورد آیه ۲۹ بقره می‌گوید: در آیه شریفه بدل یا تفسیر سماء است و هفت‌گانه بودن آسمان‌ها، منافاتی با نه‌گانه بودن آنها که در علم نجوم ثابت شده است ندارد؛ زیرا آسمان هشتم و نهم در زبان دینی، به کرسی و عرش، تعبیر شده است (مجلسی ۱۴۰۴: ج ۵، ۵۷).

دکتر محمد بن احمد الاسکندرانی، صاحب کتاب کشف الاسرار النورانیة القرانیة فی ما يتعلق بالاجرام السماویة و الارضیة و الحيوانات و النبات و الجواهر المعدنیة (چاپ ۱۸۸۰ م)؛ از پیش‌گامان تفسیر علمی در عصر جدید است.

طنطاوی (متولد ۱۸۶۲ م). صاحب الجواهر فی تفسیر القرآن؛ تفسیر ایشان را می‌توان اوج استفاده از علوم در تفسیر قرآن نامید. او در موارد متعدد، از علوم مختلف در تفسیر قرآن استفاده کرده است؛ از جمله، علم احضار ارواح را از آیات مربوط به گاو بنی اسرائیل (بقره: ۷۲-۶۷) استخراج کرده است. وی در هر مبحث تفسیری بسیار از علوم جدید را در لابه‌لای تفسیر آورده است (طنطاوی [بی‌تا]: ج ۱، ۸۹-۸۴).

عبدالرزاق نوفل از نویسندگان مصری که حداقل پنج کتاب در مورد تفسیر علمی نوشته است که عبارت‌اند از: القرآن و العلم الحدیث، الله و العلم الحدیث، الاسلام و العلم الحدیث، بین الدین و العلم... البته برخی صاحب نظران مثل علامه طباطبایی رحمه‌الله با روش علمی تطبیقی مخالفت کرده و می‌نویسند: «انما الکلام فی أن ما آورده علی مسالک السلف من المفسرین «ان ذلك تطبیقاً و لیس بتفسیر» وارد بعینه علی طریقتهم فی التفسیر» (طباطبایی ۱۳۹۳: ج ۱، ۷ و ۸ با تلخیص)؛ آن اشکالی که بر روش تفسیر علمای گذشته وارد کرده‌اند که تفسیر نیست. بلکه تطبیق است (همان اشکال)، بر ایشان نیز وارد است.

البته خود علامه نیز، در تفسیر بعضی از آیات قرآن، از علوم تجربی و نتایج آنها کمک می‌گیرد؛ چنانچه ذیل آیه شریفه ﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ﴾ (انبیاء: ۳۰) «و حیات هر چیزی را از آب قرار دادیم»، می‌فرماید: منظور این است که آب، دخالت کاملی در وجود هر موجود زنده‌ای دارد... و در بحث‌های علمی جدید، ارتباط حیات با آب واضح شده است.

ایشان در ذیل آیه شریفه ﴿وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾ (ذاریات: ۴۷) می‌فرماید: مراد، توسعه خلقت آسمان است؛ همان‌طور که علوم ریاضی، امروزه به این مسئله نظر دارند (طباطبایی ۱۳۹۳: ج ۱۸، ۳۸۲). البته در مورد تفسیر علمی قرآن مخالفان دیگری مثل شاطبی (متوفی ۷۹۰ ق) *الموافقات*، ج ۲، ص ۶۹-۷۶، دکتر ذهبی *(التفسیر و المفسرون*، ج ۲، ص ۴۹۴-۴۹۱) و شیخ شلتوت *(مجله الرسالة*، ۱۹۴۱: ش ۵، ۴۰۷ و ۴۰۸) نیز وجود دارد که با استخراج همه جزئیات علوم از قرآن و تغییرپذیر بودن علوم و تحمیل نظریه‌ها بر قرآن اشکال کرده‌اند و برخی نیز به آنان جواب داده‌اند (نک. رضایی اصفهانی: ۱۳۷۵: ۳۲۴ به بعد).

این دو نوع برخورد علامه و دیگر صاحب‌نظران با تفسیر علمی، بدین جهت است که تفسیر علمی، چند نوع مختلف دارد مثل: استخراج همه علوم از قرآن، تطبیق نظریه‌های علمی بر قرآن، استخدام علوم در فهم قرآن که همگی، یک حکم واحد ندارند؛ از این رو، علامه در شمار قائلان به تفصیل در تفسیر علمی محسوب می‌شود. در این جا توجه به سه نکته ضروری است اول این‌که: روش تفسیر علمی اگر به صورت استخراج همه علوم از ظواهر قرآن باشد، معتبر نخواهد بود چون مبنای آن مخدوش است (رضایی اصفهانی ۱۳۷۵: ۳۷۸)، و اگر به صورت تطبیق علوم بر قرآن باشد اگر منتهی به تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن شود باطل و ممنوع است چون نوعی تفسیر به رأی است. ولی اگر صرف مقایسه دیدگاه‌های دانشمندان علوم تجربی با آیات قرآن در یک موضوع، مثل آغاز و فرجام آفرینش، باشد مانعی ندارد. بلکه گاهی به روشن‌تر شدن معنای آیات علمی قرآن می‌انجامد و حتی گاهی اعجاز علمی قرآن را به اثبات می‌رساند (رضایی اصفهانی ۱۳۸۰: ج ۱، ۸۱). بنابراین مطالعات تطبیقی قرآن و علوم غیر از تطبیق و تحمیل مطالعات علمی بر قرآن است.

دوم این‌که: شیوه مطالعات و تحقیقات تطبیقی یکی از اقسام روش تحقیق میان رشته‌ای و تفسیر علمی قرآن است ولی تحقیقات میان رشته‌ای منحصر در روش تطبیقی نیست.

نکته سوم این‌که: در عصر حاضر مطالعات میان رشته‌ای در مورد قرآن بسیار مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. چرا که در چند مورد مفید و مؤثر است:

۱. تفسیر آیات علمی و تبیین موضوعات علمی قرآن

۲. جهت‌دهی به مبانی علوم به ویژه علوم انسانی

۳. رفع توهم تعارض علم و دین

۴. نظریه‌پردازی‌های علمی قرآنی

۵. تولید علم جدید؛ شکل‌گیری دانش‌های بین‌رشته‌ای همان‌طور که امروزه روان‌شناسی دین و جامعه‌شناسی دین شکل گرفته است.

مطالعات و تحقیقات میان‌رشته‌ای قرآنی در حوزه‌های مختلف علوم بشری شکل گرفته است از جمله:

اول: در حوزه علوم طبیعی، مثل قرآن و بهداشت، قرآن و نجوم (کیهان‌شناسی) قرآن و علوم پزشکی و...

دوم: در حوزه علوم انسانی، مثل قرآن و روان‌شناسی، قرآن و علوم تربیتی، قرآن و جامعه‌شناسی، قرآن و اقتصاد، قرآن و سیاست، قرآن و حقوق، قرآن و هنر و....

سوم: در حوزه علوم عقلی مثل قرآن و فلسفه، قرآن و کلام و قرآن و ریاضیات.

چهارم: در حوزه علوم شهودی، مثل قرآن و عرفان و...

البته این شیوه مطالعاتی و تحقیقاتی، مبانی و قواعد و آسیب‌های خاص خود را دارد که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم.

آسیب‌شناسی مطالعات تطبیقی

هرچند که روش تحقیق تطبیقی در عصر ما یکی از ضرورت‌های مطالعات قرآنی قلمداد می‌شود و فواید و آثار مثبت آن گذشت. این شیوه معیارهایی دارد که اگر رعایت نشود، محقق را به آفت‌هایی پژوهشی گرفتار می‌کند از جمله:

۱-۳. خلط اسرائیلیات با تفسیر قرآن

بر اثر تحقیقات تطبیقی قرآن و عهدین ممکن است برخی از مطالب ناصحیح تورات و انجیل و ملحقات آنها در تفسیر قرآن نقل شود و بر اثر مرور زمان کم‌کم جزئی از تفسیر قرآن به شمار آید.

برای دوری از این آسیب لازم است که محقق مطالب منقول از عهدین را کاملاً از تفسیر قرآن و روایات معتبر جدا سازد و منبع را مشخص کند، تا خلط نشود.

۳-۲. برانگیختن اختلافات بین مسلمانان بر اثر تعصبات مذهبی

در مطالعات تفسیر تطبیقی بین شیعه و سنی، ممکن است نقدهای تند، سبب رنجش و تحریک مسلمانان پیرو مذاهب مختلف شود و آتش اختلافات مذهبی شعله‌ور گردد و حتی دشمنان اسلام از این فرصت سوءاستفاده کنند. برای دوری از این آسیب لازم است که محقق بررسی و نقد دیدگاه‌های مذاهب مختلف اسلامی را مؤدبانه، منصفانه و عالمانه انجام دهد. و نقاط قوت و ضعف دیدگاه‌های علمی را بیان کند نه افراد را، و به حفظ وحدت مسلمانان توجه کند و از توهین به دیگران بپرهیزد.

۳-۳. تحمیل نظریه‌های علمی اثبات نشده بر قرآن

در تفسیر علمی تطبیقی، ممکن است برخی افراد به تطبیق نابه‌جای نظریه‌های اثبات نشده علوم تجربی بر قرآن پردازند و گرفتار تفسیر به رأی شوند. برای پرهیز از این آفت لازم است که محقق از شیوه معتبر مطالعات علمی قرآن یعنی استخدام علوم در فهم و تفسیر قرآن نه از شیوه استخراج علوم از قرآن و نه از شیوه تحمیل نظریه‌ها بر قرآن استفاده کند و ظواهر قرآن را در نظر بگیرد و مطلب مخالف ظاهر و مطالب علمی غیرقطعی را به قرآن نسبت ندهد.

مبانی مباحث تطبیقی

۴-۱. جواز و حجیت تفسیر علمی

از آن‌جا که مفسر قرآن، در تفسیر آیات مطالب را به خدا نسبت می‌دهد نیازمند دلایل و قراین قطعی و علمی است که گاهی از آیات دیگر قرآن و روایت معصومین(ع) و برهان‌های عقلی اخذ می‌شود، یافته‌های علوم نیز هرگاه قطعی یا اطمینان‌آور شود می‌تواند قرینه فهم و تفسیر آیات قرار گیرد و تفسیر قرآن با آنها جایز است و از آن‌جا که حجیت علم قطعی ذاتی است بنابراین، چنین تفسیری معتبر و حجّت است.

هرچند مطالب قطعی و اطمینان‌آور در علوم طبیعی و انسانی اندک است ولی این مطلب به اصل مطلب زیان نمی‌زند و در ادامه در مورد مطالب ظنی و نظریه‌های علمی نیز سخن خواهیم گفت.

البته سرچشمه‌های تفسیر علمی را در احادیث اهل بیت(ع) و تفاسیر قرآن طی اعصار نیز می‌توان یافت، از این رو، روایات کیهان‌شناسی (نک. مجلسی ۱۴۰۴: ج ۵۶ و

۵۷)، احادیث طبّی مثل کتاب‌های مشهور به طب‌النّبی (ص)، طب‌الصادق (ع)، و طب‌الرضا (ع) و روایات اقتصادی در کتاب‌هایی مثل وسائل‌الشیعه و... در میراث اسلامی فراوان وجود دارد. هرچند که نیازمند پالایش است ولی فی‌الجمله سیره مستمره به سیره معصومین (ع) را در این مورد نشان می‌دهد که در مورد بسیاری از آیات و مطالب قرآنی، مباحث علمی طرح کرده‌اند.

ممنوعیت کاربرد غیرعلمی و علمی در تفسیر آیات

البته این مطلب یکی از مبانی تفسیر است، که در مورد تفسیر علمی باید بدان توجه ویژه کرد. تفسیر قرآن کشف معانی و مقاصد آیات و بیان آنها است به عبارت دیگر، بیان مراد استعمالی و جدی خدا در آیات قرآن است. و این کشف و بیان نیاز به دلیل و قرینه دارد. ولی از هر قرینه و دلیلی نمی‌توان برای تفسیر آیات قرآن استفاده کرده، زیرا برخی را عقل نمی‌پذیرد و برخی از طرف شارع ممنوع شده است.

از این رو، لازم است اعتبار دلایل و قرائن در تفسیر ارزیابی شود. هر دلیل یقینی و علمی، قطع‌آور است و حجیت قطع ذاتی است (مظفر ۱۳۶۸: ج ۳، ۲۱)، بنابراین اگر دلیل قرینه یقینی برای تفسیر آیه‌ای وجود داشت، تفسیر قرآن بر اساس آن جایز است. هرچند که اکثر مطالب علوم تجربی، نظریه‌های علمی است و قطع‌آور نیست اما برخی از مطالب علوم تجربی که به حد بداهت حسی رسیده یا با دلیل عقلی همچون ریاضیات پشتیبانی می‌شود، می‌تواند یقینی باشد. برای مثال گردی و حرکت زمین و نیروی جاذبه آن از مواردی است که در عصر ما به حد بداهت حسی رسیده است. پس می‌توان آیات قرآن را براساس آنها تفسیر کرد.

گستره و قلمرو قرآن و علوم

در این جا می‌توان از سه دیدگاه حداکثری (وجود همه جزئیات علوم در قرآن) و دیدگاه حداقلی (نفی مطالب علمی از قرآن) و دیدگاه اعتدالی یاد کرد. چرا که از طرفی از ظاهر برخی آیات مثل: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾ (نحل: ۸۹) استفاده کرده‌اند که همه جزئیات علوم بشری در قرآن وجود دارد. ولی برخی دانشمندان و مفسران بر اساس آیات دیگر و قرائن لُبّی (عقلی) بیان کرده‌اند که مقصود از آیه آن است که کلیات مطالب مربوط به هدایت بشر در ظواهر قرآن وجود دارد.

و از سوی دیگر برخی قرآن را کتاب آخرت و بی ارتباط با مباحث علمی دانسته‌اند و از طرف سوم می‌توان دیدگاه اعتدالی را طرح کرد. یعنی نباید انتظار داشته باشیم همه جزئیات علوم بشری را از قرآن به دست آورد. بلکه قرآن خطوط کلی را در جهت هدایت بشر به سوی خدا بیان کرده است. ولی قرآن در همین راستا اشارات زیادی به علوم طبیعی، انسانی، عقلی و عرفانی دارد. و این خطوط اساسی و اشارات علمی می‌تواند در جهت‌دهی به علوم بشری به ویژه علوم انسانی کاملاً مؤثر شود، تا آن‌جا که به تولید علم جدید منتهی گردد.

هدف هدایتی قرآن با علوم انسانی (مثل علوم تربیتی، سیاسی و...) گره خورده است، از این‌رو تعامل زیادی با آنها دارد، اما در مورد برخی علوم مثل علوم طبیعی، ارتباط کم‌تر است. قرآن و علم رابطه سازگارانه دارند در مورد رابطه قرآن و علوم تجربی چند فرض قابل تصور است:

قرآن و علم

رابطه‌ای ندارد ← جدایی مطلق علم و قرآن

رابطه ناسازگارانه دارند ← تعارض علم و قرآن

رابطه دارند ←

رابطه سازگارانه دارند ← تعامل علم و قرآن ← همسو انگاری

با اندک تأملی در آیات قرآن و تشویق آنها به علم و کاربرد بیش از ۷۰۰ بار ماده علم در قرآن و بیش از هزار آیه قرآن که اشاره به علوم تجربی دارد، می‌توان دریافت که فرض اول باطل است. و با توجه به این‌که تعارض واقعی بین گزاره‌های قرآن و علم وجود ندارد (در بند بعدی توضیح می‌آید) و تعارضات ظاهری هم قابل رفع است. از این‌رو مباحث علم ستیز در قرآن نیست و فرض دوم باطل است و از آن‌جا که این تقسیم بین نفی و اثبات است و حصر عقلی دارد، فرض سوم اثبات می‌شود. پس مباحث قرآن علم‌پذیر یا علم‌گریز (فراتر از علم) است (نک: رضایی اصفهانی ۱۳۷۵: ۲۲۳).

تعارض واقعی بین قرآن و علم وجود ندارد

تعارض واقعی بین علوم و آیات قرآن وجود ندارد و اگر تعارض ظاهری بین آنها پدیدار شود با تأمل بر طرف می‌شود. به عبارت دیگر، در موارد تعارض بین ظاهر یک آیه با یک مطلب علمی یکی از دو احتمال وجود دارد:

۱. خطا در مقدمات علم تجربی

۲. خطا در فهم دلالت آیه قرآن

از این‌رو در این هنگام تعارض ظاهری باید به دنبال راه‌حل‌های منطقی و معقول باشیم، برای مثال اگر بفرض گزاره قرآنی ﴿سَبْعَ سَمَوَاتٍ﴾ (بقره: ۲۹) با یافته‌های کیهان‌شناسی در مورد وجود یک آسمان معارض شد، به چند صورت می‌توان این توهّم تعارض را حل کرد (البته ممکن است هر کدام از این راه‌کارها در برخی آیات قرآن مفیدتر باشد):

الف) ممکن است واژه «سبع» عدد حقیقی نباشد بلکه عدد کثرت باشد و منظور تعداد زیادی کهکشان و... باشد. و یا واژه «سموات» به معنای جایگاه ستارگان نباشد بلکه به معنای جو زمین باشد مثل آیه ﴿وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً﴾ (بقره: ۲۲) و...

ب) ممکن است زبان قرآن و زبان علم در این مورد متفاوت باشد، یعنی مقصود از آسمان در کیهان‌شناسی، جایگاه ستارگان و سیارات باشد و منظور از «سماء» در قرآن آسمان معنوی باشد همان‌طور که علامه طباطبایی رحمه‌الله ذیل ﴿أَيُّهُدَىٰ الْأَمْرِ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ﴾ (سجده: ۵) احتمال دارند (طباطبایی ۱۳۹۳: ج ۱۶، ۲۴۷ و ج ۱۹، ۳۲۷).

ج) ممکن است گفته شود مسئله هفت آسمان یک حقیقت قرآنی است که هنوز علوم تجربی آن را کشف نکرده‌اند و همه کهکشان‌ها که کشف شده آسمان اول است. بنابراین، می‌توان آن را به صورت نظریه‌پردازی قرآنی در صحنه علوم تجربی مطرح کنیم و به دنبال شواهد تجربی آن باشیم.

هدف اساسی قرآن هدایت به سوی خداست (نه بیان مطالب علوم)

قرآن کریم در آیات متعددی به اهداف خود اشاره کرده است و بالاترین هدف خود را هدایت مردم و خارج ساختن آنها از ظلمت‌ها به سوی نور معرفی کرده است (بقره: ۲؛ اعراف: ۲۰۳ و یونس: ۷۵) ﴿الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (ابراهیم: ۱)

الف، لام، را، این کتابی است که آن را به سوی تو فرو فرستادیم، به خاطر این که مردم را به رخصت پروردگارشان، از تاریکی ها به سوی نور بیرون آوری، به سوی راه (خدای) شکست ناپذیر و ستوده. البته اهداف مقدماتی همچون بشارت، هشدار، شفاء، رحمت و عدالت را نیز مطرح ساخته است (فرقان: ۱؛ حدید: ۲۵ و یونس: ۵۷). قرآن کل نظام هستی را نیز هدفمند معرفی می کند که کاروان هستی از خدا شروع شده و به سوی در حرکت است (بقره: ۶۶ و ۱۵۶).

توجه به هدفمندی قرآن و هدایت گری آن در فهم و تفسیر قرآن تأثیرات مهمی دارد، چون به تفسیر قرآن جهت می دهد، یعنی مفسر قرآن به همه آیات با نگاه هدایت گرانه می نگرد و آنها را تفسیر می کند. برای مثال اشارات علمی قرآن و احکام سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آن، همگی در جهت هدایت بشر به سوی خدا معنا تفسیر می شود. از این رو، تفسیری از آیات قرآن که با هدایت گری و اهداف قرآن منافات داشته باشد اعتبار نخواهد داشت.

شیوه های اجرای مباحث تطبیقی قرآن و علوم

این مباحث را می توان به سه صورت تصور کرد:

الف) بررسی آراء دانشمندان علوم و مفسران قرآن به صورت مقارن که نتیجه آن تضارب آراء و تقریب افکار دانشمندان دو حوزه است.

ب) بررسی یک موضوع از منظر قرآن و علم خاص، مثلاً بررسی مشروعیت حکومت از منظر قرآن و علوم سیاسی که نتیجه آن بیان دیدگاه ها در برابر همدیگر و امکان بررسی مقارنه ای یک موضوع از دو زاویه است.

ج) بررسی یک موضوع علمی در قرآن، برای مثال بررسی وجود موجودات زنده در آسمان، از منظر آیات قرآن که گاهی این شیوه منتهی به نظریه پردازی های علمی قرآن و موضوع سازی برای علوم و جهت دهی به آن می شود.

آنچه در مباحث بین رشته ای در این جا مقصود است، شیوه دوم و سوم است. هر چند که شیوه اول یکی از پیامدهای این مباحث خواهد بود.

قواعد اجرای مباحث تطبیقی قرآن و علوم

علوم قرینه فهم آیات: با توجه به این که مفسر در تفسیر، به دنبال فهم معانی آیات و مقاصد خدای متعال است، بنابراین مفسر می کوشد با استفاده از منابع معتبر کتاب،

سنت، عقل و علوم تجربی قطعی و با کمک ابزارهایی هم چون ادبیات عرب و... به تبیین معانی آیات و مقاصد الهی بپردازد.

۲-۶. لزوم توجه به هدف دین و مقاصد نزول قرآن و هدف هر سوره و مجموعه آیات و آیه مورد نظر: هدف اصلی دین و قرآن هدایت انسان به سوی خداست، ولی معارف قرآن شامل مباحث متعددی همچون اعتقادات، قوانین و احکام شرعی، اصول و دستورات اخلاقی، آموزه‌های سیاسی، اقتصادی، معارف علمی و... است. قرآن کریم اشارات متعددی (در بیش از هزار آیه) به مسائل طبیعت دارد که معمولاً در راستای خداشناسی و معاد شناسی است (نک. آیات آغازین سوره رعد و حج) و حتی مسائل تربیتی، اقتصاد و سیاست و... را در راستای قرب انسان به خدا و سعادت اخروی او جهت‌دهی می‌کند. از این‌رو مفسر قرآن باید در تفسیر آیات به هدف اصلی قرآن و نیز هدف هر سوره و آیات توجه کرده و به صورتی آیات را تفسیر کند که معارض آن هدف نگردد، مثلاً اصول و نظام و مسائل سیاسی و اقتصادی و تربیتی را به صورتی سامان دهد که انسان را به غفلت از خدا و معاد سوق ندهد و گرنه تفسیر علمی معتبر نخواهد بود.

۳-۶. لزوم توجه به سیاق زبانی و فضای تاریخی آیات و سوره‌ها: سیاق هر آیه یا دسته‌ای از آیات (یعنی فضای کلی حاکم بر آنها) لازم است. به عبارت دیگر در تفسیر موضوعی آیات لازم است به تفسیر ترتیبی نیز توجه شود و نمی‌توان یک جمله قرآن را بدون توجه به قبل و بعد و هدف کلی سوره تفسیر کرد. و نیز توجه به فضای تاریخی و زمان و مکان نزول لازم است. برای مثال در سوره‌های مکی واژه «زکات» را برخی مفسران به معنای «انفاق» معنا می‌کنند (مکارم شیرازی ۱۳۷۸: ج ۱۴، ۱۹۶) اما در سوره‌های مدنی این واژه به معنای مالیات خاص اسلامی است. چرا که فضای سوره‌های مکی بیشتر بیان توحید و معاد و نبوت است اما در سوره‌های مدنی به خاطر فضای جدید و تشکیل حکومت و جامعه اسلامی، بیان قوانین سیاسی، اقتصادی و... پررنگ‌تر است. بنابراین مفسر قرآن نباید در فهم و تفسیر آیات علمی، از سیاق و فضای تاریخی و جغرافیایی آیات غفلت کند.

البته فضای تاریخی و جغرافیایی و شأن نزول‌های آیات موجب انحصار معنای آیات در یک مورد خاص نمی‌شود و مفسر می‌تواند از آنها الغای خصوصیت کند.

۶-۴. لزوم استفاده از علوم تجربی معتبر: با توجه به این که علوم تجربی در بسیاری از موارد غیرقطعی است، انطباق نظریه‌های علمی با واقعیت برای انسان روشن نیست ولی کاربردهای خاص خود را در زندگی بشر دارد.

البته همان‌طور که قبلاً اشاره شد گاهی نیز علوم تجربی به حد بداهت حسی می‌رسد مثل: کروی بودن زمین و گاهی مطلب علمی با دلیل عقلی مثل ریاضیات پشتیبانی می‌شود (البته در مورد واقع نمایی علم، تفسیرهای متعددی وجود دارد که در این جا به یکی از آنها اشاره شد). در مواردی که علوم تجربی قطعی باشد، تفسیر قرآن با آنها جایز است بلکه یکی از قرائن فهم و تفسیر آیات قرار می‌گیرد که بی‌توجهی به آنها صحیح نیست. اما در مواردی که علوم تجربی ظنی و در حد نظریه‌های علمی است، نمی‌توان مطالب علمی فوق‌الذکر را به قرآن و گوینده آن یعنی خدای متعال نسبت داد. بلکه در این گونه موارد حداکثر می‌توان گفت: احتمال دارد فلان نظریه روان‌شناختی یا جامعه‌شناختی یا سیاسی یا اقتصادی مقصود آیه قرآن باشد. به ویژه هنگامی که در یک مورد چند نظریه رقیب وجود دارد و یکی از آنها مشهور در آن علم است.

برای مثال در مورد آیه ﴿وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾ (ذاریات: ۴۷) دو دیدگاه گسترش جهان و انقباض جهان در کیهان‌شناسی مطرح است و هیچ‌کدام به صورت قطعی اثبات نشده است ولی ظاهر آیه با دیدگاه نخست سازگار است بنابراین می‌توانیم به صورت احتمالی بگوییم که نظریه گسترش جهان با ظاهر آیه سازگار است (نک. رضایی اصفهانی ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۴۷-۱۴۲).

۶-۵. لزوم استفاده از قاعده جری و تطبیق در تفسیر به ویژه در تفسیر علمی: بسیاری از مطالب قرآن در قالب قصص و آیات دارای شأن نزول خاص بیان شده است که می‌توان از آنها الغاء خصوصیت زمانی، مکانی و فردی کرد، و در مصادیق جدید در هر عصری استفاده کرد.

پس باید با به دست آوردن هدف ملاک اصلی آیه و الغای خصوصیات غیردخیل درهدف، قواعد کلی از آیات را استنباط کنیم و بر مصادیق جدید زمان خویش تطبیق کنیم. قاعده جری و تطبیق از روایات اهل بیت (ع) استفاده شده (عیاشی ۱۳۸۰: ج ۱: ۲۲) و مورد توجه علامه طباطبایی در *المیزان* است (طباطبایی ۱۳۹۳: ج ۱، ۴۱).

برای مثال در داستان لوط از زمان و مکان زندگی لوط و شخص لوط و قوم او الغاء خصوصیت می‌شود. و هدف داستان که نشان دادن انحراف جنسی، همجنس‌بازی و عواقب آن است به صورت یک قاعده کلی استنباط می‌شود. سپس به همجنس‌بازان عصر حاضر تطبیق و به آنها هشدار داده می‌شود.

از این رو قصص قرآن و مطالب آن منبع خوبی برای فهم معارف قرآن و تطبیق آن بر زمان حاضر است مثال دیگر در مورد آیات ﴿تِجَارَةٌ عَنِ تَرَاضٍ﴾ (نساء: ۹۲) ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾ (بقره: ۱۸۸) است که بر مصادیق جدید تجارت صحیح و باطل تطبیق می‌شود.

معیارهای مباحث میان رشته‌ای یا تفسیر علمی معتبر

تفسیر علمی قرآن یا استنباط و برداشت‌های علمی از قرآن کریم معیارهای خاصی دارد که عدم توجه به آنها منتهی به بی‌اعتبار شدن تفسیر علمی یا تفسیر به رأی می‌گردد. از جمله:

۱-۷. استفاده از علوم تجربی قطعی در تفسیر آیات (و استناد احتمالی به آیات در مواردی که علوم قطعی وجود ندارد).

۲-۷. مفسر تفسیر علمی (علاوه بر شرایط عام مفسر) از علم تجربی مورد نظر شناخت کافی داشته باشد.

۳-۷. مطلب علمی قرآن با نص یا ظاهر آیه یا آیات سازگاری داشته باشد.

البته رعایت معیارها و ضوابط عام تفسیر (مثل استفاده از روش و منابع و قرائن معتبر در تفسیر و مفسر دارای شرایط و...) در تفسیر علمی نیز لازم است.

کارکردهای مباحث رشته‌ای

فهم بهتر آیات قرآن و تفسیر روزآمد قرآن کریم

برخی آیات قرآن مطالبی در زمینه پزشکی، کیهان‌شناسی و... بیان کرده که با توجه به پیشرفت‌های جدید علمی نکات جدیدی از آنها فهمیده می‌شود و تفسیر بهتری از آنها ارائه می‌شود. مثل صلب و ترائب، مراحل خلقت انسان (حج: ۵؛ مومنون: ۱۲-۶) و مباحث کیهان‌شناسی (یس: ۳۸) و... برای مثال: قرآن می‌فرماید: ﴿وَالشَّمْسُ تَجْرِي

لُمُسْتَقَرًّا لَهَا﴾ (یس: ۳۸) «خورشید در جریان است تا در محل خود استقرار یابد». در ابتدای نزول این آیه مردم از کلمه «تجری» همان حرکت خورشید از مشرق به مغرب را می‌فهمیدند، از این‌رو بعضی مفسران هم این مطلب را تصریح کردند، که منظور قرآن حرکت روزمره خورشید است (طبری ۱۳۹۳: ج ۵، ۲۳) و این فهم از قرآن بر اساس تصورات علمی (در حد علم نجوم آن زمان) بود که زمین را مرکز، می‌دانستند و تصور می‌کردند که خورشید به دور آن می‌گردد، اما با پیشرفت علوم تجربی و پیدایش نظریات گالیله، کپلرو کپرنیک این حقیقت کشف شد که هیئت بطلیموسی، باطل است و این زمین است که به دور خورشید می‌چرخد. حرکت روزمره خورشید (از مشرق به مغرب) خطای چشم ماست و این حرکت کاذب است، بلکه چون ما با زمین در حرکت هستیم، گمان می‌کنیم خورشید در حرکت است همان‌طور که شخصی که در قطار نشسته و حرکت می‌کند به نظرش می‌آید که درختان کنار جاده، در حال حرکت هستند). و از سویی دانشمندان کشف کردند که خورشید، با سرعت به دور خود و به طرف جلو در حرکت است و حرکت وضعی و انتقالی دارد (و طبق بعضی نظریات، به طرف ستاره «وگا» در حرکت است). پس معلوم شد که منظور آیه شریفه از حرکت خورشید، همان حرکت کاذب روزمره نیست، بلکه حرکت واقعی او به طرف مقصد معین است و از این نمونه‌ها، در آیات قرآن باز هم می‌توان یافت.

پاسخ به پرسش‌های نوآمد

قرآن با نیازها و علوم روز بشر پیوند خورده و پاسخ‌گوی پرسش‌های جدید بشر می‌شود و هدایت قرآن در همه ابعاد زندگی بشر جاری می‌شود. پرسش‌های جدید در علوم مختلف مطرح می‌شود و مفسر علمی با دقت و رعایت ضوابط، تلاش می‌کند از آیات الهی پاسخ مناسب به آنها بدهد. مثلاً سکولاریسم، پلورالیسم و دموکراسی و... پرسش‌های زمانه ماست که قرآن می‌تواند پاسخ‌گوی آنها باشد. البته در این‌جا مفسر علمی آیات موافق و مخالف را گردآوری کرده و با بی‌طرفی به استنباط از آنها می‌پردازد. نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن (جهت‌دهی به مبانی علوم انسانی و موضوع‌سازی برای علوم):

برخی اشارات علمی در قرآن وجود دارد که هنوز به صورت پیشگویی‌های علمی باقی مانده و در علوم تجربی اثبات یا نفی نشده است. بلکه دورنمای مثبتی برای آنها وجود دارد که می‌توان این دیدگاه‌های قرآنی را در هر علم به صورت حقایق قرآنی و نظریه‌های علمی قرآن ارائه کرد.

برای مثال: مسئله گسترش جهان در کیهان‌شناسی بر اساس آیه ﴿وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾ (ذاریات: ۴۷) و مسئله موجودات زنده در آسمان‌ها بر اساس آیه ﴿وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ ذَابَّةٍ﴾ (شوری: ۲۹) مطرح می‌شود. و نیز در بسیاری از آیات قرآن از مبانی و اصول و قوانین سیاست، اقتصاد، مدیریت و... مطالبی بیان شده است که می‌توان از آنها در نظام‌سازی و جهت‌دهی به علوم انسانی استفاده کرد. برای مثال براساس آیات نفی ربا، می‌توان نظریه اقتصاد بدون ربا را مطرح کرد. و نیز برای مثال از جریان طالوت ﴿وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ﴾ (بقره: ۲۴۷) و از داستان یوسف ﴿إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ﴾ (یوسف: ۵۵) و موارد مشابه می‌توان شرایط مدیر را از قرآن استنباط کرد.

اعجاز علمی قرآن

برخی آیات به مطالبی علمی اشاره کرده که در عصر نزول قرآن، بشر به طور عادی به آنها دسترسی نداشته است و بعد از مدت‌ها دانشمندان علوم تجربی آنها را کشف کرده‌اند مثل زوجیت عام موجودات و جاذبه عمومی و... که این موارد از اعجازهای علمی قرآن شمرده می‌شود (رضائی اصفهانی ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۶۸). چون بشر اطلاعات قبل از کشف آنها عاجز بوده است و قرآن به صورت اخبار غیبی از آنها پرده برداشته است. بنابراین، مفسر علمی قرآن باید به دنبال این گونه موارد (با رعایت شرایط و قواعد) باشد.

موانع و آفات مباحث میان رشته‌ای

تحمیل نظریه‌های علمی به قرآن، یعنی مطلبی را بر قرآن نسبت دادن که ظاهر آیه آن را برنمی‌تابد که نوعی تفسیر به رأی است.

۹-۲. به دنبال استخراج همه جزئیات علوم از قرآن رفتن، که معمولاً منتهی به تفسیر غیرمعتبر و گاهی تفسیر به رأی می‌شود.

عدم توجه به اهداف اساسی دین و قرآن و سوره‌ها و آیات که به تفسیر علمی غیرمعتبر منتهی می‌شود.

۴-۹. غفلت از سیاق زبانی و فضای تاریخی آیات علمی قرآن که منتهی به فهم و تفسیر ناقص قرآن می‌شود.

۵-۹. اقدام به تفسیر علمی بدون داشتن شرایط مفسر علمی یعنی تفسیر قرآن بدون علم و آگاهی که نوعی تفسیر به رأی است.

نتیجه

روش مطالعات تطبیقی قرآن شامل شیوه تطبیقی بین موضوعات قرآن و کتب مقدس دیگر و تفسیر تطبیقی بین شیعه و مذاهب اهل سنت و شیوه تطبیقی بین موضوعات قرآن و علوم می‌شود. روش تحقیق تطبیقی و میان رشته‌ای از شیوه‌های مفید در مطالعات قرآنی است و منتهی به روشن شدن زوایای مجمل آیات و تولید علم جدید می‌شود. ولی همچون روش‌های مطالعاتی دیگر آسیب‌هایی دارد که لازم است محقق آنها را بشناسد و از آنها برحذر باشد.

توضیحات

در سال ۱۳۸۴ ش در جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه برای نخستین بار در جهان رشته دکترا تفسیر تطبیقی راه اندازی شد، که دانش پژوهان به بررسی تطبیقی تفسیر شیعه و سنی می‌پردازند.

۲. برخی مراکز مثل پژوهش‌گاه حوزه و دانشگاه، پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پژوهش‌گاه علوم انسانی، بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی (گروه قرآن و علم) داخل ایران و رابطه العالم الاسلامی عربستان و المعهد الفکر الاسلامی در مورد مباحث بین رشته‌ای قرآن و علوم، فعالیت می‌کنند و در جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه، اخیراً رشته دکترا قرآن و علوم با گرایش‌های مختلف (علوم تربیتی، اقتصاد، مدیریت، حقوق، نجوم و...) راه اندازی شده است.

۳. برخی صاحب نظران تعداد آیات مربوط به علوم طبیعی و انسان را ۱۳۲۲ مورد شمارش و لیست کرده‌اند (نک. الحبال [بی تا]: ۲۸۹).

۴. البته ما نمی‌خواهیم در این جا در مورد امکان دینی و معانی آن بحث کنیم. ولی فی‌الجمله روشن است که نظام سیاسی و اقتصاد مبتنی بر آیات قرآن با نظام سیاسی سکولار و نظام اقتصاد غیر دینی متفاوت است. و به عبارت دیگر مکتب و نظام اقتصادی اسلام مبتنی بر عدالت و نفی ربا است برخلاف نظام‌های اقتصادی غیردینی و نیز نظام سیاسی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی بر اساس مشروعیت از بالا به پایین (خدا کاولوامرک) است بر خلاف نظام‌های سیاسی غیردینی.

۵. در مورد این که اجرای قاعده جری که در روایات اهل بیت (ع) وارد شد (قرآن) ﴿یجرى كما تجرى الشمس والقمر﴾ (عیاشی ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۱۰) به صورت فوق از موارد بطن‌گیری از آیات هست یا نه، بین صاحب نظران اختلاف وجود دارد. و برخی بزرگان معاصر همچون آیت الله معرفت رحمه‌الله این مورد را بطن قرآن می‌نامند. (معرفت ۱۳۸۳: ج ۱، ۳۱-۲۹) ولی ما در این جا به دنبال اصل مطلب هستیم که قاعده‌ای متخذ از روایات اهل بیت (ع) است. و نیز می‌توان در این جا به قاعده مشهور در اسباب النزول اشاره کرد که ﴿العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص المورد﴾.

منابع و مأخذ

- ابن سینا (۱۹۰۸)، رسائل، چاپ هند.
- آخوند خراسانی (۱۴۰۶) کفایة الاصول، شرح سید محمد حسین شیرازی، قم، دارالایمان.
- الحبال [بی تا]: العلوم فی القرآن، چاپ دارالمعرفة، بیروت.
- ذهبی، محمد حسین (۱۹۷۶)، التفسیر و المفسرون، چاپ دوم، دارالکتب الحدیث، مصر.
- رازی، فخرالدین (۱۴۱۱)، تفسیر کبیر، (مفاتیح الغیب)، دارالکتب العلمیة، بیروت.
- رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۷۵)، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، انتشارات اسوه، قم.
- _____ (۱۳۸۰)، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، انتشارات کتاب مبین رشت.
- _____ (۱۳۸۵)، منطق تفسیر قرآن (۲) روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، نشر مرکز جهانی علوم اسلامی، قم.
- طباطبایی، علامه محمد حسین (۱۳۹۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم.

- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۹۳)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت، ۳۰ جلد در ۱۲ مجلد.
- طنطاوی جوهری (۱۴۲۵)، الجواهر فی تفسیر القرآن، دارالفکر، مصر، سیزده جلد.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰)، تفسیر العیاشی، تحقیق، سید هاشم رسولی محلاتی، چاپخانه علمیه، تهران.
- قراملکی، احد فرامرز (۱۳۸۰)، روش‌شناسی مطالعات دینی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴)، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (ع)، قمی، مؤسسة الوفاء بیروت.
- مظفر، محمد رضا (۱۳۶۸)، اصول الفقه، انتشارات المعارف الاسلامیه، ش، تهران.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۸۳)، التفسیر الاثری الجامع، موسسه التمهید، قم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۸)، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران.